

عده دار مقام آن میخواندند و تا کنون هم این منصب از مناصب بزرگ کلیسائی است. از این تذکر مختصر میتوان پی برد که تاچه اندازه رومیان قدیم به وقت شناسی که اساس معتقدات ایشان بود اهمیت میدادند.

راجع به تاریخ رومی روایات مختلف ذکر شده است که خلاصه مضمون آنها در ذیل نقل میشود:

در سال ۴۵ پیش از میلاد یولیوس قیصر منجمی از اسکندریه دعوت کرد تا تقویم رومی را اصلاح کند زیرا پنتیفها در حساب تاریخ و سال و ماه تقلب کرده بودند. این منجم بعلت بی اطلاعی یک روز و بیشتر در حساب اشتباه کرد و به جای این که اول سال را در ۲۴ مارس قرار دهد آن را در ۲۵ مارس قرار داد. بعد از منجم مصری پنتیفها نفهمیدند که چگونه باید کیسه کنند و بجای کیسه چهار سالی چندین سال سه سال یک روز کیسه میکردند. این بود خلاصه آنچه نقل کرده اند و عجب اینست که منجمین عصر متوکل قرن ها بعد از منجم اسکندریه همین اشتباه یک روز را در حساب کرده اند و نمیدانستند یک روز از تاریخ یزد گردی باید کم کرد!

حقیقت اینست که مدارك راجع به تقویم رومی را زمامداران کلیسا از بین برده اند تا میانه عیسویت و عقاید قدیمتر رومی رشته ارتباط گسسته شود ولی سر سال تاریخ رومی که سیر منظم خود را در ماه مارس روز بروز میکرده قابل حک نبوده و همیشه باعث اشکال شده است.

کسانی که راجع به تقویم رومی چیزی نوشته اند هر وقت به اشکالی برخوردند پس از شرح رقت آوری از مغشوش بودن تاریخ رومی قدیم و بی اطلاعی منجمین و تقلب پنتیفها اشکال را بجای خود گذاشته و گذشته اند.

چون تکرار حدسیاتی که در این باب نوشته شده بی فایده است نتیجه تحقیقات خود را تا اندازه ای که پیشرفت کرده در ذیل میدهیم. مدارك شرقی زمینه بهتری برای تحقیق است.

.....

از معانی اسامی ماه های رومی و همچنین اضافه شدن روز کیسه در نزدیکی اعتدال بهاری معلوم میشود این تاریخ با اول بهار میزان بوده است.

بیرونی مبدأ تاریخ رومی را مدت بسیار طولانی پیش از قرن ۱۵ پیش از میلاد گذاشته و برای نشان دادن این قدمت دو مرتبه کلمه دهر را بصورت جمع و مفرد در یک جمله بکار برده است. در قسمت تاریخ عالم در این جزوه نیز تذکری راجع بر این قدمت داده شده.

اختلاف یک روز در حساب‌ها نشانه دو قسم تاریخ از دو مبدأ مختلف است. مبدأ یکی دوم زمستان و دیگری دوم بهار.

تاریخی که از روز دوم زمستان شروع میشود مبدأ آن سال ۴۴۸۰ پیش از میلاد است و تاریخ طوفان میباشد. در تواریخ روم تاریخ قدیمتر بنام فلاوین <sup>Flavien</sup> است و تا اندازه‌ای که تحقیق کرده ایم این تاریخ منسوب به شخصی نیست. در سانسکریت "Plana" و در لاتین "Flu-o" بارندگی و طوفان است.\*

در تاریخ رومی اول کیسه ۱۲۰ سالی و بعد کیسه چهار سال یک روز معمول شده است و چنانکه در کتب نجومی تصریح شده در سال رصد همه تاریخهای قدیمتر کیسه و تصحیح شده و از این قرار تاریخ طوفان هم در آن سال ۲۱ روز استحقاق کیسه داشته و کیسه شده است و حسابها از سال رصد شروع میشود.

جنگ پیدنا\* در سال ۱۶۸ پیش از میلاد است. این جنگ در حدود اوائل تابستان پس از شب ماه گیری و مطابق چهارم دسامبر تقویم قدیم رومی اتفاق افتاده است. روز مذکور در این سال ۷۵ روز نسبت به تاریخ ژولیانی تفاوت دارد و لهذا وضع تاریخ رومی قدیم را در آن سال نشان میدهد.

جنگ پیدنا در سال ۱۵۵۸ تاریخ رصد واقع شده است و حساب این ماه گیری این طور نشان میدهد که تا سال ۱۲۰۰ تاریخ رصد کیسه ۱۲۰ سالی مرتباً اجرا شده و بعد از این تاریخ ۳۵۸ سال یعنی در حدود سه نوبه کیسه را اهمال کرده اند و در نتیجه چهارم دسامبر در حدود اول تابستان واقع شده است. در این حساب اختلاف یک تا دو روز معمولی هم دیده نمیشود.

در سال ۱۴۵۴ تاریخ رصد یکشنبه شب ۲۵ دسامبر مهر متولد شده و به این مناسبت روز ۲۶ دسامبر اول ژانویه و مبدأ تاریخ جدیدی گردیده است. در این سال نقطه اعتدال با حساب جدید در ۲۶ مارس است ولی این روز به حساب تاریخ طوفان ۲۵ مارس میشود. روز ۲۵ مارس تا دو قرن پیش در اروپا سر سال بود. این روز مربوط به میلاد مهر است نه اصلاح تاریخی که در زمان قیصر یولیوس شده است.

در سال ۴۶ پیش از میلاد که سال کیسه ۱۲۰ سالی تاریخ رصد است پس از کیسه در مدت ۳۶ سال ۱۲ روز کیسه کرده اند و سه روز اضافه در این ۳۶ سال برای این

است که مبدأ تاریخ درست با میلاد مهر مطابق شود. در سال ۱۴۵۴ تاریخ رصد که سال تولد مهر است ۱۴ سال از کیسه ۱۲ سالی گذشته بوده است و برای میزان کردن حساب با سال تولد سه روز کیسه لازم داشته که آن سه روز را در مدت ۳۶ سال جبران کرده‌اند. تاریخی که مبدأ آن میلاد مهر باشد کیسه آن در سال سوم اجرا میشود.

سالهای رومی جدید شمسی قمری است و لهذا در سال ۴۶ پیش از میلاد سالهای قمری هم کیسه شده و آنها را با سالهای ربعی ربط داده‌اند.

سال ۴۶ پیش از میلاد مطابق سال ۱۶۸۰ تاریخ رصد، سال هشتم دوره ۱۹ سالی قمری است و سه ماه کیسه لازم دارد. بعلاوه سال قمری این سال سال بیست و یکم دوره سی سالی و سال کیسه و سال ۳۵۵ روزی است و لهذا سال قمری ۴۶ پیش از میلاد سال ۴۴۵ روزی شده است و ۹۱ روز کیسه دارد.

.....

اختلاف یک روز که در سراسر حسابها دیده میشود نتیجه اختلاف تاریخ طوفان و تاریخ بهیز کی است که مبدأ یکی دوم ژانویه و مبدأ دیگری نوروز است. برای تذکر مهمترین آنها را میدهم.

بیرونی می‌نویسد:

«میلاد مسیح پنجشنبه شب بوده است. بیشتر مردم بر این هستند که این پنجشنبه شب ۲۵ است و چنین نیست بلکه ۲۶ است. اگر کسی خواسته باشد آزمایش کند به روشی که سابق گفتیم عمل نماید. اول کانون اول یکشنبه بوده است.» \*

روز سه‌شنبه ۲۲ ربیع الاول سال یازدهم هجری که مبدأ یزدگردی رحلت است به حساب بهیز کی ۱۱ حزیران و به حساب رومی مهری ۱۷ حزیران و به حساب میلادی ۱۶ حزیران میباشد. در زمان متوکل این روز را ۱۷ حزیران گرفته‌اند که روز «مهرین» باشد.

تفاوت تاریخ میلادی با تاریخ رومی جدید یک روز و تفاوت تاریخ میلادی با تاریخ بهیز کی پنج روز است. اثر این تفاوت در تحویل تاریخ ارمنی به تاریخ میلادی که از قرن دهم میلادی معمول شده دیده میشود.

## کیسه‌ها

چنانکه تذکر دادیم پیشینیان به تقویم کواکب و پیش‌گوئی بموجب احکام نجومی اهمیت بسیار میدادند. برای تقویم صحیح کواکب بایستی واحد زمان و طول

---

\* این روز بحساب تاریخ دقلیانوس است و مربوط به میلاد مهر که در بالا تذکر داده شده نیست.

مدت سال بادقت شایان تعیین شود و لهذا دوره های طولانی کیسه بهترین وسیله ای برای این مقصود بود .

اگر سال رصد و مبدأ روز دوره های کیسه بادقت تعیین شده باشد میتوان واحد زمان و طول سال را با تقریب نزدیک به واقع به دست آورد .

در کتب نجومی ایران و چند تقویم تورفانی که در دست است ذکر و آثار شش دوره کیسه شمسی و دو دوره کیسه قمری ملاحظه میشود .

در ذیل اطلاعاتی به اندازه گنجایش این جزوه راجع به دوره های کیسه داده میشود .

### دوره کیسه ۱۴۰۴ سالی

آثار این دوره کیسه در تقویم های تورفانی دیده میشود و نوبه کیسه ۱۱۷ سال است . در هر ۳۰۱ سال بایک کیسه ۲۹ روزی و دو کیسه ۲۸ روزی این سال ها را میتوان در حدود بهار ثابت نگاهداشت .

میلاد مهر ( چنانکه در کتب تاریخ تصریح شده ) در سال ۵۱ دوره دوم این کیسه است که آن را کتب تاریخ « اشکانی و ملکی » نوشته اند .

مأخذ حساب تاریخ متوکللی آخر نوبه هشتم از دوره دوم این کیسه است . بطوری که از برخی نسخه های خطی کتب نجومی فهمیده میشود نام اصلی این دوره کیسه « **ملکان شاهی** » است .

آخرین سال دوره دوم این کیسه سال ۲۸۰۸ رصد مطابق ۴۷۶ هجری است . در این سال در حدود ۲۸ روز سر سال از جای اصلی خود که روز نوروز است حرکت کرده است و هنوز روز ۲۸ تمام نشده و لهذا « ۲۷ » روز کیسه لازم دارد .

بموجب آنچه در زیج « **المفرد** » طبری راجع به رصد در این سال درآمل نوشته شده اعتدال پائیز در « اشتاد » روز مهر ماه بوده . این تصریح بادر نظر گرفتن کیسه ۲۸ روز که بایستی در آخر این سال اجرا شود صحیح است .

نام تاریخ ملکی که پیش از اقدام سلطان جلال الدین سلجوق ذکر شده اسباب اشکال برای برخی در نسبت این تاریخ به جلال الدین سلجوقی فراهم کرده است . مبدأ این کیسه در تقویم های تورفانی سال خوک ۲۸۰۴ پیش از ملکی است .

سال گاو . ۹۵۰ تاریخ رصد که تقویم آن داده شد سال ۱۰ از نوبه نهم است که در خود تقویم داده است .

### دوره کبیسه ۱۴۰۸ سالی

در این دوره یازده نوبه کبیسه ۱۲۸ سالی است و در هر نوبه با یک ماه کبیسه ۳۱ روزی این سال ها را در اول بهار میتوان ثابت نگاهداشت .  
این دوره یکی از زمینه های حساب کبیسه خیامی است .

### دوره کبیسه ۱۴۱۰ سالی

پس از ۱۴۱۰ سال خورشیدی از رصد فاصله ساعت تحویل نیمه شب واقع میشود و پس از دو دوره یعنی ۲۸۲۰ سال دوباره ساعت تحویل ظهر است . یعنی پس از گذشتن این مدت دوباره مبدأ حسابها به نیمروز برمیگردد .

میتوان این دوره را با شش نوبه کبیسه ۱۱۸ سال و ۲۹ روز و شش نوبه کبیسه ۱۱۷ سال و ۲۸ روز در حدود بهار ثابت نگاهداشت . طریقه اجرای کبیسه ها چنین است که در هر ۲۳۵ سال یک نوبه کبیسه ۲۸ روزی و یک نوبه کبیسه ۲۹ روزی اجرا نمایند . دوره ۲۸۲۰ سالی زمینه حساب کبیسه خیامی است . در برخی کتب نجومی خطی که همه از قرن هفتم هجری به بعد است این دوره را برای مغالطه ۲۲۰ سال داده اند .

### دوره کبیسه ۱۴۲۸ سالی

آثار این کبیسه در کتب نجومی و تقویمهای تورفانی دیده میشود . نوبه این کبیسه ۱۱۹ سال است و در هر نوبه یک بار با یک ماه ۲۸ روزی و ۵ ماه ۲۹ روزی کبیسه میشده است . یعنی در هر دوره دو کبیسه ۲۸ روزی و ده کبیسه ۲۹ روزی بوده است . کبیسه ۲۸ روزی در اول هر نیم دوره است .  
تاریخ مجوسی که ۲۵ سال با یزدگردی رحلت تفاوت دارد یعنی سال ۶۵۶ میلادی مبدأ آنست مأخذ حساب آن اول نوبه نهم از دوره دوم این کبیسه است . روز مبدأ این تاریخ مجوسی بر حسب تصریح بیرونی پنجشنبه است .  
تاریخ معتضدی که مبدأ آن سال ۸۹۴ میلادی مطابق ۲۸۱ هجری است مأخذ آن نوبه یازدهم دوره دوم این کبیسه است .

انتهای دوره دوم این کیسه آخر سال ۲۸۵۵ رصد است. در کتاب «متهی الادراك» موقع اجرای ( آخرین نوبه دوره دوم ) این کیسه را روز شنبه ۱۲ ربیع الثانی سال ۶۲۵ هجری داده است.

از این حساب واضح است که مبدأ دوره این کیسه سال خوك ۲۸۰۴ پیش از ملکی است و مبدأ روز صبح.

### دوره کیسه ۱۴۴۰ سالی

سالهای بهیز کی هر ۱۲۰ سال یک ماه کیسه میشده تا اوقات نماز در فصول سال ثابت بماند. پیشینیان غالباً نماز را بموجب هر دو قسم سال یزد گردی و بهیز کی میگزاردند. مبدأ بهیز کی چهارشنبه نوروز سال اول رصد بوده است.

از روی فاصله سر سال بهیز کی از نقطه اعتدال میتوان شماره نوبه کیسه و شماره دوره را پیدا کرد. نام سال اول بعد از هر کیسه ۱۲۰ سالی موش است. در ذیل کیسه هائی را که تاریخ اجرای آن در کتب نجومی ثبت است یاد آور میشویم:

۱ - کیسه هفتم از دوره دوم در سال ۲۲۸۰ بهیز کی در زمان پادشاهی انوشیروان اجرا شده. این سال سال ۵۵۶ میلادی است و سال بیست و پنجم پادشاهی انوشیروان میشود. در این سال سه دوره ۱۵۰۸ سالی بعلاوه ۱۰۵۸ سال از تاریخ یزد گردی باستانی گذشته است. در نسخه قانون مسعودی بجای دوره سوم هزاره سوم و عدد «۱۰۵۸» را نیز «۸۵۱» نوشته که مقلوب عدد اصلی است.

۲ - کیسه هشتم از دوره دوم در زمان یزد گرد شهریار اجرا شده است.

این سال سال ۲۴۰۰ بهیز کی مطابق ۶۷۶ میلادی است.

در این سال اول فروردین یزد گردی در پنجم حزیران میباشد چنانکه در «خط

مقریزی» از علی بن یحیی منجم نقل کرده است.

۳ - کیسه دهم از دوره دوم در سال ۲۶۴۰ موقع اجرائش میشود.

در تاریخ «هلال صابی» اول محرم سال ۳۹۰ هجری مطابق ۲۷ آذر است.

در این سال ۸۳ سال از کیسه دهم از دوره دوم گذشته است.

۴ - کیسه یازدهم از دوره دوم در سال ۲۷۶۰ بهیز کی مطابق سال ۱۰۳۶

میلادی است.

درموقع اجرای این کیسه فاصله میان سرسال یزد گردی باستانی و اول فروردین بهیز کی سی روز تمام است . یعنی اول اردیبهشت یزد گردی مطابق اول فروردین بهیز کی است .

سالهای پارسیان در هند که یک ماه باسالهای زردشتیان ایران اختلاف دارد یادگار این کیسه است . از اختلاف این یک ماه معلوم میشود که نمازهای زردشتیان ایران بموجب یزد گردی باستانی بوده و نمازهای زردشتیان هند بموجب سالهای بهیز کی که بعد از اجرای کیسه فوق دیگر کیسه نشده است .

درسبداً تاریخ جلالی معمولی بموجب آنچه در شرح تذکره بیرجندی و خفری نوشته شده است سرسال بهیز کی دوازده روز با نقطه اعتدال فاصله داشته است .

درسالی که **نوروزنامه** خیام نوشته میشود سرسال شانزده روز از جای خود حرکت کرده بوده است . از این قرار تألیف نوروزنامه در حدود سال ۴۹۰ هجری میشود .

در نوروزنامه این کیسه را به زمان خلف بن احمد نسبت میدهد ولی در قانون مسعودی نوشته این کیسه در فارس صورت گرفته است . مدارك دیگر صورت گرفتن این کیسه را در فارس و نه در سیستان تأیید میکند .

کیسه ای که در زمان خلف بن احمد امیر سیستان اجرا شده آخرین کیسه ۱۱۶ سالی از دوره چهارم ۱۵۰۸ سالی در سال ۳۷۶ یزد گردی میباشد . شرح دوره این کیسه بعد داده خواهد شد .

۵ - کیسه چهارم از دوره دوم سال ۱۹۲۰ رصد موقع اجرائش میشود . روز بعثت مانی روز یکشنبه اول حمل و اول نisan بهیز کی سال ۲۰۰۴ رصد است و بواسطه تصادف روز اول نisan بهیز کی در سال ۸۴ نوبه کیسه بانوروز واضح است که نوبه چهارم کیسه ۱۲۰ سالی از دوره دوم درموقع خود اجرا شده . در این حساب شش روز کیسه سال میلاد مهر محسوب شده است .

### دوره کیسه ۱۵۰۸ سالی

در مدت ۱۵۰۸ سال یزد گردی روز شمار اول فروردین دوباره به نقطه اعتدال برمیگردد . این سالها را با دو قسم کیسه میتوان در حدود بهار ثابت نگاهداشت .

۱ - دوازده کیسه ۳۰ روزی و یک کیسه ۵ روزی .

۲ - دوازده کیسه ۲۸ روزی و یک کیسه ۲۹ روزی .

درین صورت معلوم است که دوره مکبوس « ۱۵۰۸ » سال خورشیدی خواهد شد نوبه دوره این کیسه ۱۱۶ سال است و در هر دوره ای سیزده بار کیسه میشود . کیسه هشتم از دوره چهارم در سال ۴۲۸ میلادی در زمان یزدگرد بن شاپور اجرا شده است . برخی این نوبه کیسه را با نوبه کیسه هشتم ۱۲۰ سالی که در سال ۶۷۶ میلادی در زمان یزدگرد بن شهریار اجرا شده اشتباه کرده اند . \*

در سال بیست و پنجم پادشاهی انوشیروان ۱۰۵۸ سال از دوره چهارم کیسه شده گذشته بوده است . در قانون مسعودی ارقام مقلوب شده و « ۸۵۱ » نوشته است . آخر سال ۲۷۳۲ رصد مطابق ۳۷۶ یزدگردی آخرین سال دوره چهارم کیسه شده میباشد . مبدأ کیسه سال موش است و سال آخری دوره خرگوش .

بیرجندی در شرح زیج الغ بیک و نیز سایر کتب نجومی سال ۳۷۵ را سال کیسه داده اند که یک سال پیش از موعد است . اختلاف یک سال قابل ملاحظه است ولی تحقیق در مرحله ای نیست که بیش ازین تذکر داده شود .

همچنین معلوم میشود که تا اواخر قرن چهارم هجری نوبه های ۱۱۶ سالی این کیسه مرتباً اجرا میشده . این کیسه همان کیسه ای است که در زمان خلف بن احمد امیر سیستان اجرا شده است .

### دوره کیسه ۱۹ سالی قمری

اگر در مدت ۱۹ سال ۳۶۵٫۲۵ روزی هفت ماه قمری کیسه کنیم همیشه رمضان در حدود بهار میماند .

در آخر سال ۲۳۴۶ رصد که سال پیش از هجرت است نوبه کیسه ۱۹ سالی قمری به شعبان میافتد و بیرونی هم در آثار الباقیه نام ماه شعبان را برای کیسه در این سال تصریح کرده است . در سال نهم هجرت موسم حج به ماه ذیقعده افتاد .

همچنین بیرونی ربیع را در فصل پائیز و جمادی را در فصل زمستان داده است . مبدأ حساب این کیسه سال اول رصد است و آثار آن در تقویمهای تورفانی دیده میشود . سالهای کیسه از قرار ذیل است :

۱۹    ۱۷    ۱۴    ۱۱    ۸    ۶    ۳

\* جلوس اردشیر در سال ۲۶۶ میلادیت و بر سالهای پادشاهی شاپور ذوالاکتاف اقلای سی سال اضافه شده است .



### دوره کبیسه ۳۰ سالی قمری

در هر ۳۰ سال قمری ۱۱ روز باید کبیسه کنیم . سالهای کبیسه از قرار ذیل است :

۲ ۵ ۸ ۱۱ ۱۳ ۱۶ ۱۹ ۲۱ ۲۴ ۲۷ ۳۰

ترتیب بالا ترتیب قدیمی است که در زیج حبش مروزی آمده است و با حساب مطابقت دارد و در تقویمهای تورفانی این ترتیب بکار رفته است .

ترتیب معمولی که در تقویم ها با آن حساب میشود از قرار ذیل است :

۲ ۷ ۱۰ ۱۳ ۱۶ ۱۸ ۲۱ ۲۴ ۲۶ ۲۹

این ترتیب درست نیست و علت پیدا شدن آن اینست که در آخر سال قبل از هجرت بجای سال نوزدهم دوره سال هیجدهم را کبیسه کرده اند و پنجشنبه را بجای چهارشنبه مبدأ حساب گرفته اند لهذا یک سال اختلاف در ترتیب پیدا شده که باعث اشکال شده است . سال اول هجرت نمی تواند مبدأ دوره سی سالی قمری منظم واقع شود .

روز اول تاریخ ملکی را زیج ها روز جمعه دهم رمضان داده اند چون این تصریح در کتب فنی است قابل توجه میباشد . روز جمعه دهم رمضان نمی تواند اول ملکی باشد مگر این که اول محرم هجرت تا قرن پنجم هجری به حساب کبیسه قدیم چهارشنبه محسوب شود .

### دوره دوازده سالی شمسی

پس از شرح دوره های کبیسه شمسی و قمری مناسب است تذکری راجع به دوره دوازده سالی شمسی که از نظر محدود کردن سال های تاریخ اهمیت دارد بدهیم . سال اول این دوره موش است و سال آخر آن خوک و بوسیله این نامها حدود اول و آخر سال شمسی و خصوصاً سالهای مالیاتی معلوم میگردد . سال اول هزاره اول و سال اول یزدگردی باستانی و سال اول رصد هر سه موش است .

از حساب هزاره ها که اساس روز شمار همه حسابهای دیگر است معلوم میشود که مبدأ دوره دوازده سالی در حدود هفتاد روز پیش از نوروز میباشد .

بطوری که نوشته اند و از تواریخ چین معلوم میشود این دوره دوازده سالی چند قرن پیش از میلاد از ایران به چین رفته است .

در سال موش رصد اول فروردین یزد گردی باستانی ۶۹ روز پیش از تحویل بوده و لهذا مبدأ این دوره ۶۹ روز پیش از روز تحویل است . چنانکه در زیجها آمده در اواسط قرن پانزدهم میلادی مبدأ دوره در حدود اواسط دلو قرار داشته است .  
با در نظر گرفتن سالهای ربعی و منحرف شدن سر سال از نقطه اصلی، مبدأ دوره در قرن پانزدهم اواسط دلو میشود .

### دوره کبیسه ۱۴۶۱ سالی

پس از شرح دوره های کبیسه و فوائد آنها در تعیین طول سال و ثابت نگاهداشتن اوقات عبادت و زراعت در فصول میگوئیم که تا کنون برای ما روشن نیست که از کبیسه ۱۴۶۱ سالی چه استفادهای میتوان کرد .

با این کبیسه نه اوقات عبادت و نه موسم زراعت و نه موقع پرداخت مالیات معین و منظم میشود .

همچنین نمیدانیم اگر مردمی ۱۴۶۱ سال صبر کنند تا سر سال در فصول چهار گانه سیر کند و بعد هم به نقطه اصلی مبدأ برگردد و بعد از این مدت طولانی ۱۴۶۱ سال یک سال از حساب بیاندازند و بجای ۱۴۶۱ بنویسند ۱۴۶۰ چه استفاده نجومی یا غیر آن از چنین کاری خواهند برد .

تا آنجائی که تحقیق کرده ایم این کبیسه طولانی غیر عملی برای مغالطه و تشویش حسابها و دوره های کبیسه و طول سال در کتب نجوم و تاریخ ظاهراً در حوالی قرن دهم میلادی گنجانیده شده است .

### تاریخ ملکی یا ملکان شاهی

انتهای دوره دوم همه کبیسه های خورشیدی در عصر خیام یا کمی قبل و بعد از عصر اوست و لهذا لازم است که شرح مختصری که نتیجه تحقیقات شخصی و متکی بر روایاتی است که در دست میباشد بدهیم .

از روایات مختلف و متناقضی که راجع به وضع تاریخ ملکی و طول سال شمسی و ترتیب دسته های کبیسه در کتب نجومی نوشته شده میتوان زمینه کافی برای تحقیق و رسیدگی و نظم و ترتیب کبیسه هائی که در نتیجه رصد غلط سراغه و الخ بیک بهم خورده به دست آورد .

فایده تاریخ ملکی این بوده که بایک حساب ساده و منظم چنانکه شرح داده خواهد شد روز تحویل و نوروز را پیدا کنند ولی وقتی که طول سال غلط باشد این تاریخ بی معنی خواهد بود و باید تحویل و نوروز را باز با حساب مفصل و یا رصد به دست آورد .

قبل از هر چیز باید در نظر گرفته شود که تا سلطان جلال الدین امری برای رصد جدید صادر کرد حساب کیسه ها و ترتیب اجرای آنها در جیب منجمین حاضر نبوده که فوراً آن را بیرون بیاورند و از همان سال شروع کنند و مبدأ قرار دهند .

مبدأ تاریخی که باید مأخذ حساب روش تازه ای برای کیسه باشد باید روز مناسب دقیق صد کرده و حساب شده باشد .

رصد و تعیین مدت دقیق طول سال شمسی و تنظیم سالهای کیسه و انتخاب روز و سال مناسب برای مبدأ چندین سال آزمایش رصد های قدیمتر را لازم دارد و به آن آسانی که تصور شده است امکان پذیر نیست . اگر طول سال اندکی کم و زیاد گرفته شود حساب و ترتیب کیسه ها را بهم میزند چنانکه بهم زده است .

در نوروز نامه منسوب به خیام این طور نوشته شده است :

« بفرمود . . . حکمای عصر از خراسان بیاورند و هر آلتی که رصد را بکا رأید بساختند از دیوار و ذات الحلق و مانند این و نوروز را به فروردین بردند ولیکن پادشاه را زمانه زمان نداد و کیسه تمام ناکرده بماند . »

قبلاً اعتراض منجمین را راجع به رصد مراغه تذکر داده ایم و نیز در زیج علیشاه بخارائی شرح تغییراتی را که در سال مبدأ تاریخ ملکی از راه حسد داده اند و او از نظر خود بیان نموده است قابل توجه میباشد .

منجم نامبرده راجع به دست بردن در تاریخ سلطانی این طور نوشته است :

« در زیج عبدالرحمن رحمة اله علیه که اوساط او بر تاریخ عرب نهاده است یکی زیج معتبر سنجری و دوم وجیز معتبر بدین معنی ناطق اند .

اما کسانی که با او تعصب کردند و حسد بردند تغییر زیج او نتوانستند کرد تغییر تاریخ کردند بخود اضافه کردند و به نقصان دو سال در زیج خود بنهادند چون در آن روزگار معروف نشده بود بعضی کسان چنان قبول کردند . »

نقل از زیج علیشاه بخارائی

خلاصه ، از مقایسه و بررسی روایات مختلفی که در دست است چنین نتیجه میشود:

در سال ۴۷۰ هجری یعنی یک سال پیش از این که سلطان جلال الدین امری بدهد ملاحظه میشود که منجمین راجع به تاریخی بنام ملکی حساب و رصد میکنند .

در اول سال ۲۸۰۴ رصد مطابق ۴۷۱ هجری به کوشش خواجه نظام الملک امر سلطان برای رصد صادر میشود و از آن سال به بعد مبلغ گزافی صرف بنای رصدخانه میگردد .

در سال ۲۸۰۸ رصد مطابق ۴۷۶ هجری آخرین کبیسه دوره دوم ۱۴۰۴ سالی برای آزمایش طول سال اجرا شده است و اعتدال خریفی به حساب ملکی قدیمی که چند ماه به کبیسه ۲۸ روزی مانده بود در اشتاد روز مهرماه واقع میشده است .

سال ۲۸۱۶ رصد که انتهای دوره دوم ۱۴۰۸ سالی است مجدداً طول سال آزمایش شده . این سال مطابق ۴۸۵ هجری است .

برخی گمان کرده اند این سال مبدأ ملکی است و یا این که سال ۴۸۵ هجری که در نسخه های خطی وجود دارد غلط کاتب است .

در این سال تحویل با اختلاف غیر محسوسی یکشنبه ۲۲ فروردین یزدگردی است . پیداشدن روز یکشنبه و همچنین روز ۲۲ فروردین برای مبدأ این تاریخ که در برخی نسخه های خطی مشاهده میشود نتیجه همین کبیسه آزمایشی است .

همچنین سال بعد از این کبیسه سال ۴۷۱ هجری خورشیدی است و از اینجاست که ملاحظه میشود سال ۴۷۱ هجری قمری را به جای خورشیدی مبدأ قلمداد کرده اند .

در سال خوک ۲۸۲۰ رصد که انتهای دوره دوم ۱۴۱۰ سالی است تحویل سال به افق نیمروز ظهر جمعه بیست و سوم فروردین یزدگردی است . این جمعه جمعه ای میباشد که با جمعه اول بهار ۴۷۱ هجری اشتباه شده است .

همچنین قابل ملاحظه است که در کتب نجومی به جای دوره ۲۸۲۰ سالی که اساس حساب تاریخ ملکی میباشد دوره ۲۲۰ سالی نوشته شده .

.....

یک دوره ۲۸۲۰ سالی از بیست و یک نوبه ۱۲۸ سالی و یک نوبه ۱۳۲ سالی ساخته شده است .

هر نوبه ۱۲۸ سالی یک دسته ۲۹ سالی و سه دسته ۳۳ سالی دارد و کبیسه

.....

نوبه ۱۳۲ سالی که نوبه آخری دوره ۲۸۲۰ سالی میباشد یک دسته ۲۹ سالی و دو دسته ۳۳ سالی و یک دسته ۳۷ سالی دارد. از این قرار دسته ۳۷ سالی که ذکرش در کتب نجومی آمده فقط در آخر هر دوره ۲۸۲۰ سالی میآید .  
 نوبه ۱۲۸ سالی از سالهای کبیسه ملکی که در زیجها داده شده معلوم است . ولی بواسطه تناقض روایات و این که بجای ۲۸۲۰ در کتب نجومی ۲۲۰ نوشته شده بود جای دسته ۳۷ سالی در دوره معلوم نبود .

اسم حقیقی این تاریخ چنانکه در برخی نسخه های خطی دیده میشود « **ملکان شاهی** » است . ظاهراً نام قدیمی این تاریخ باعث این شده که بعدها سلطان جلال الدین را به نام ملکشاه بخوانند و نمیتوان این تشابه را کاملاً تصادف خواند .  
 ترکیب نامی مثل « **ملك شاه** » از دو کلمه ملك و شاه که هر دو به یک معنی است مطابق سلیقه زبان فارسی نیست و سابقه ای برای این نام تا کنون بنظر ما نرسیده است

.....

برای پیدا کردن روز نوروز در ایام هفته و همچنین سال کبیسه و نام سال در دوره دوازده سالی باید حساب از تاریخ رصد نیمروز شروع شود .  
 تاریخ رصد نیمروز :

۲۸۰۳ سال پیش از تاریخ ملکی معمولی

و ۲۳۴۶ سال پیش از تاریخ هجری خورشیدی

و ۱۷۲۰ سال پیش از تاریخ میلادی

و ۱۴۱۴ سال پیش از تاریخ رومی معمولی .

در صورتی که یکی از تاریخهای مذکور را بدانیم با اضافه کردن سالهای میان

دو تاریخ بر آن ، سال رصد را پیدا میکنیم .

مثلاً : امسال که سال ۱۳۳۱ هجری خورشیدی و ۱۹۵۲ میلادی است سال

۳۶۷۷ رصد است .

**دستور پیدا کردن نام سال در دوره دوازده سالی .**

سالهای تاریخ رصد را که شامل خود سال مطلوب باشد بر ۱۲ تقسیم میکنیم .

اگر باقیمانده یک باشد سال موش و اگر صفر باشد سال دوازدهم دوره دوازده سالی و سال

خوك است .

موش ۳ مار ۴ خرمگوش ۵ نهنگ ۶ مار اسب ۷ گوسفند ۸ بوزینه ۹ مرغ ۱۰ سگ ۱۱ خوک  
 ۱ ۲ ۳ ۴ ۵ ۶ ۷ ۸ ۹ ۱۰ ۱۱ ۱۲ صفر

مثلاً : امسال سال ۳۶۷۷ رصد است . اگر این سالها را بر ۱۲ تقسیم کنیم ۵  
 باقی میماند و پنج علامت سال نهنگ است .

### دستور پیدا کردن سال کیسه

سالهای تاریخ رصد را که شامل خود سال مطلوب باشد اول بر ۲۸۲۰ تقسیم  
 میکنیم و بعد باقی مانده این تقسیم را بر ۱۲۸ تقسیم مینمائیم . اگر باقی مانده دوم عددی  
 باشد که در جدول خیامی ذیل نوشته شده آن سال سال کیسه یعنی ۳۶۶ روزی است .  
 و اگر عدد باقی مانده در جدول نباشد سال ۳۶۵ روزی معمولی است .

مثلاً : امسال سال ۳۶۷۷ رصد است . اگر این سالها را بر ۲۸۲۰ تقسیم کنیم  
 و باقی مانده را بر ۱۲۸ قسمت نمائیم ۸۹ باقی میماند . چون ۸۹ در جدول خیامی نیست  
 سال ۳۶۵ روزی است .

### جدول خیامی

چهار سالگی							
پنج سالی	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷
۵	۹	۱۳	۱۷	۲۱	۲۵	۲۹	
	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۳۴	۳۸	۴۲	۴۶	۵۰	۵۴	۵۸	۶۲
	۱۶	۱۷	۱۸	۱۹	۲۰	۲۱	۲۲
۶۷	۷۱	۷۵	۷۹	۸۳	۸۷	۹۱	۹۵
	۲۴	۲۵	۲۶	۲۷	۲۸	۲۹	۳۰
۱۰۰	۱۰۴	۱۰۸	۱۱۲	۱۱۶	۱۲۰	۱۲۴	صفر

ملاحظه - در جدول فوق شماره سالهای کیسه با عدد ریزتر در زاویه بالای هر خانه داده شده است  
 مثلاً اگر باقی دوم ۷۵ باشد شماره کیسه‌ها تا قبل از این سال ۱۷ میباشد .

دستور پیدا کردن روز اول سال در هفته

- ۱ - خارج قسمت تقسیم بر ۲۸۲۰ بعلاوه يك ضرب در ۳ .
- ۲ - خارج قسمت تقسیم بر ۱۲۸ ضرب در ۵ .
- ۳ - باقیمانده تقسیم بر ۱۲۸ .

۴ - شماره کیسه ها تا قبل از عدد باقی مانده بر ۱۲۸ .

چهار قلم فوق را جمع میکنیم و حاصل جمع را بر ۷ که شماره روزهای هفته است

تقسیم مینمائیم .

اگر باقی مانده یک باشد نوروز یکشنبه و . . . . و اگر شش باشد نوروز جمعه

و اگر صفر باشد نوروز شنبه است .

یکشنبه	دوشنبه	سه شنبه	چهارشنبه	پنجشنبه	آدینه	شنبه
۱	۲	۳	۴	۵	۶	صفر

مثلاً : در سال ۳۶۷۷ رصد حاصل جمع چهار قلم ۱۴۶ میشود و پس از تقسیم

این عدد بر هفت ، شش باقی میماند که علامت جمعه است .

از این قرار در سال ۳۶۷۷ رصد مطابق ۱۳۳۱ هجری خورشیدی و ۱۹۵۲

میلادی ، نوروز و اول سال روز جمعه و سال ۳۶۵ روزی و سال نهنگ است .

دستور فوق از سال موش رصد تا هفتصد و پنج هزار سال بعد از رصد درست

و دقیق است و این در صورتیست که اوضاع نجومی جهان تغییری نکند .

مطالب مهم دیگری راجع به کیسه ملکان شاهی جمع آوری شده که باید بعدها

مرتب و چاپ شود .

برای آزمایش تقویم ملکی سالهای ۶۸۱ و ۹۴۹ و ۹۵۰ و ۱۰۱۰ و ۱۰۱۵

و ۱۰۱۶ را با دستور فوق استخراج و با تقویمهای تورفانی مقایسه نمائید . روز نوروز

در تقویم های تورفانی داده شده است .

## بخش چهارم

### تذکراتی راجع به وضع چند تاریخ جدید

در کتابهایی که راجع به تقویم و تاریخ گذاری نوشته شده برای این که توجه را از حساب و دقت منصرف سازند همیشه شکایت بسیار از مغشوش بودن تاریخ های قدیمتر و بی اطلاعی منجمین و محو آثار شده است .

حال باید به بینیم کسانی که این همه از گذشته شکایت دارند خودشان در وضع تاریخها و رصد چه پیشرفت هایی کرده اند .

از قرن سوم هجری به بعد می بینیم که فلسفه و نجوم و تاریخ و روایات بانظریات جدیدی تدوین میشود و جدالهایی در هر رشته برپا است که دامنه آن به قرن های بعد کشیده شده .

رساله سوالات بیرونی از ابن سینا و نکاتی که مورد اعتراض امام فخر رازی است و همچنین اعتراض منجمین قرن هفتم و هشتم راجع به طول سال یادگاری از این جدال علمی و فلسفی میباشد .

خلاصه این جدالها تا آنجائی که مربوط به بحث ما است این است که با « فرض افلاك » که نظریه تازه ای بوده نمیشود رصد کرد .

شانزده اشکال در کتب نجومی به فرض افلاك وارد کرده اند و حقیقت این است که در آن قرون رصد دقیقی انجام نگرفته و به همین علت همیشه عذر آورده اند و افسوس خورده اند که چون فلان خلیفه یا پادشاه مرد رصد به انجام نرسید .

در باب رصد بطلمیوس و نسبت کتاب مجسطی به او و سال رصد او اختلاف بسیار است . این اختلاف در حدود سه قرن میشود .

ابوعبیده میگوید : « در سفری که با ابن سینا به همدان میرفتیم صحبت از نقص تقویم ها و اختلاف ارساد پیش آمد . ابن سینا تعهد کرد کواکب را رصد کند و تهیه مقدمات این کار را بمن واگذار کرد و خود به قسمت های نظری پرداخت و برای رصد آلاتی اختراع کرد و رساله مخصوصی نوشت ولی بواسطه کثرت موانع و سفرهای پی در پی این کار انجام نیافت .

در بیان معدل المسیر و عرض التوا از ابن سینا پرسیدم گفت بعد از تعب بسیاری



این را یافته‌ام و کسی را تعلیم نمیدهم ! ؟ . تو خود سعی کن شاید ظاهر شود و وی اثبات صدویست‌گروه ( فلک ) نمود ولی بعد از تأمل در وجوه او عدم تناهی ظاهر شود .  
 از این بیان معلوم میشود که ابو عبیده هم با آن همه نزدیکی به ابن سینا بعد از تأمل در فرض افلاک دریافته است که انتهائی برای شماره آنها نیست یعنی رصد محال است .  
 در باره زیچ مأمونی و حساب کبیسه در زمان متوکل و . . . و حتی رصد دوسه  
 سألہ الغ بک همین عذرهای مردن و برهم خوردن دستگاه رصد دیده میشود .  
 رصد دقیق رصدخانه ثابت و مناسب و سالهای بسیاری لازم دارد و آنها در صورتی است که نظریات اساسی درست باشد .

در ذیل اطلاعاتی راجع به مهمترین تاریخ‌هایی که از قرن نهم میلادی به بالا وضع شده و هم‌چنین تاریخ مصری و تاریخ بنای شهر روم و تاریخ ابراهیمی و تاریخ عالم میدهم .

### تاریخ متوکل و معتضدی

نقل از آثار الباقیه :

« متوکل در شکارگاه به کشتزاری رسید که هنگام درو آن نشده بود . گفت از من اجازه گرفته اند که خراج را جمع‌آوری کنند و من اکنون کشتزار را سبزمی بینم .  
 به او گفتند این کار به مردم زیان رسانیده و از وطن خود کوچ مینمایند .  
 متوکل مؤبد را خواست و مؤبد چگونگی سال و کبیسه و تأخیر نوروز را بیان نمود . متوکل صولی را امر داد تا با مؤبد در این کار همراهی کند و این‌طور قرار شد که نوروز در هفدهم حزیران باشد و این نتیجه را در محرم ۲۴۳ هجری به همه جا نوشتند .  
 متوکل کشته شد و کاری که او در نظر گرفته بود بیپایان نرسید . [ مدتی بعد از متوکل و کشته شدن چند خلیفه ] معتضد خلیفه شد و کار کبیسه و انجام آن در نظر او از همه چیز مهمتر بود ولی راه دیگر پیش گرفت و آن اینست که متوکل سالهای میان زمان خود و جلوس یزدگرد را پایه حساب قرار داد ولی معتضد سالهای میان زمان خود و سرگ یزدگرد را .

یا خود معتضد و یا کسانی که در این کار دست داشتند گمان کرده اند که کبیسه از آن وقت اهمال شده و مدتش ۲۴۳ سال است و ۶۰ روز و کسری کبیسه می‌خواهد .  
 پس روز چهارشنبه یازدهم حزیران اول خرداد ، اولین روز تاریخ معتضدی شد .  
 اگرچه در این کار دقت شد ولی نوروز به آنجائی که در هنگام دولت فارسیان بود

برنگشت زیرا فارسیان کیسه را تقریباً ۷۰ سال پیش از سرگ یزد گرد اهمال کرده بودند زیرا در زمان یزد گرد بن شاپور دوماه کیسه کرده اند. یک ماه برای آنچه لازم بود و پنجه را در آخر آبان گذاشتند و یک ماه هم پیشکی تا این که مدتی آسوده باشند.

اگر از مدت میان یزد گرد بن شاپور و یزد گرد شهریار ۱۲۰ سال کم کنیم تقریباً نه تحقیقاً هفتاد سال باقی است زیرا تواریخ فارسیان بسیار مغشوش است. میزان کیسه این هفتاد سال هفده روز است و بایستی از روی تحلیل و قیاس ۷۷ روز نه ۶۰ روز تأخیر کند تا این که نوروز در ۲۸ حزیران واقع شود. ولی کسی که این کار به دست او بود گمان کرد فارسیان مثل رومیان کیسه میکنند و روزها را از زوال پادشاهی فارسیان گرفت و امر برخلاف این است.

ماه های معتضدی همان ماه های فارسی با نامها و ترتیب آنها است ولی روزهای فارسیان در آن بکار نمی رود و برای آن که در هر چهارسالی یک روز بر خمرسه اضافه میشود به علنی که در ماههای مصری گفتیم که نامهای ایام ترك شد و سال کیسه در آن مطابق سال رومی است.

در تاریخ معتضد مانند تاریخ اسکندر عمل میکنیم. از فروردین ماه آغاز مینمائیم تا به آذر ماه برسیم اگر سال کیسه نباشد پنج روز اضافه میکنیم. در این تاریخ نوروز با یازدهم حزیران موافق است.

درجائی دیگر در آثار الباقیه آمده است :

«طریقه شناسائی کیسه در سال های معتضدی بدین طریق است که سالها را چهارچهار طرح کنیم اگر چیزی باقی نماند کیسه است و اگر باقی ماند کیسه نیست».

.....

«علی بن یحیی منجم گوید در زمان ایرانیان نوروز بیش از یک ماه عقب نمیمانند و همیشه از پنجم حزیران تا پنجم ایار عقب میرفت لهذا خلیفه امر داد استفتاح خراج را در پنجم حزیران قرار دهند.» مقرریزی.

در کتب نجومی دیگر راجع به سال مبدأ تاریخ معتضدی و روز مبدأ و ماه قمری مبدأ اختلاف بسیار است.

این بود خلاصه آنچه در کتب تاریخ و نجوم راجع به وضع این دو تاریخ نوشته اند.

.....

جای حیرت است که با آن همه علوم یونان و عرب در بغداد پس از تقریباً نیم قرن

کوشش دوتاریخ با نامهای ماههای فارسی وضع کنند و این قدر اختلاف و اشتباه اساسی در آنها روایت شود و بعد هم بکلی متروک گردد .

زندیقان یعنی مانویان متظاهر به اسلام در دستگاه عباسیان نفوذ بسیار داشتند . مجسمه سواره نیزه به دست مهر تا قرن چهارم هجری از مسافت زیادی بالای قصر خلفا دیده میشد . در تاریخ بغداد کراماتی هم برای آن بت ذکر شده .

منصور خلیفه دوم عباسی نام کودکش **تقلاص** بود . تقلاص پیشوای یکی از فرق مانویه بوده و معنی آن منصور میباشد که بعد ها اسم همین خلیفه شده یعنی نام کودکی خود را به عربی ترجمه کرده و خود را منصور خوانده است . این که نوشته اند بعد از فتحی این نام را به او داده اند برای پوشیدن این سراسر است .

وفات مهر دوشنبه شب ، چهارم شهریورماه مطابق شانزدهم حزیران مهری است . روز سه شنبه ۱۷ حزیران روز اول تاریخ « نیران » است که وفات مانی هم با این تاریخ داده شده . این حساب با حساب میلادی دو روز تفاوت دارد .

این روز روز متبرکی است و آن را روز « میرین » نامیده اند که روز کمال و پیری مهر باشد .

روایتی که از علی بن یحیی منجم نقل شده افتادگی دارد و باید بعلاوه این که روز اول فروردین را در پنجم حزیران ذکر کرده شرحی هم راجع به روز ۱۷ حزیران داده باشد .

مبدأ تاریخ متوکللی روز یکشنبه هفدهم حزیران و اول ذی حجه ۲۳۵ قمری ۹۱ روز بعد از بهار است ولی این هفدهم به حساب میلاد مهر است . این سال مطابق سال ۲۵۷۵ رصد و ۸۵۰ میلادی میباشد .

این سال سال بعد از کیسه دهم دویزه دوم ۱۴۰۴ سالی و سال نهم دوره ۱۹ سالی قمری و سال بعد از کیسه ۱۳ سالی دوره ۳۰ سالی قمری است . کیسه های لازمه در سال پیش از مبدأ اجرا شده و لهذا این تاریخ به صورتی که ذکر شد از هر حیث تاریخی دقیق و منظم است و درست ۱۰۵۷ سال ربعی بعد از روز دوشنبه چهارم شهریور میباشد که شب هنگام مهر وفات کرده است و لهذا روز سه شنبه مبدأ تاریخ وفات مهر و نوروز تابستانی و اول سال نیران شده است .

در این که تاریخ معتضدی هم مثل تاریخ متوکللی تاریخ وفات یزدگرد است شک نیست ولی تاریخ وفات مهر یزدگرد است نه یزدگرد بن شهریار ساسانی . این که

نوشته اند مجوس با سال وفات یزدگرد تاریخ میگذاشتند مقصود مهر یزدگرد است و مجوس هم زردشتیان نیستند بلکه فرق مهري و نقلاصی و . . . مانویان میباشند .

مبدأ تاریخ معتضدی سال ۲۸۱ هجری مطابق ۸۹۴ میلادی است و مأخذ آن سال اول نوبه کبیسه یازدهم ۱۱۹ سالی از دوره دوم ۱۴۲۸ سالی رصد و درست ۱۱۰۱ بعد از « نیبران » یا وفات مهر است .

در سال ۱۵۱۸ مار رصد که مبدأ تاریخ وفات مهر یزدگرد است یک دوره ۱۴۴ سالی تمام شده و از نوبه اول کبیسه ۱۲۰ سالی به حساب بهیز کی فارسیان ۷۷ سال گذشته که سال ها کبیسه نشده است ، لهذا دوشنبه شب ، چهارم شهریور که وفات مهر یزدگرد میباشد مطابق ۲۸ حزیران است . بیرونی ۲۸ حزیران را مخصوصاً تصریح کرده است و قابل توجه میباشد .

اختلافی که در مبدأ تاریخ معتضدی است از روی موقع سال کبیسه ربعی و همچنین سالهای خراجی که عین همین تاریخ معتضدی است تصحیح میشود .

اختلاف در ماه ربیع الاول و ربیع الاخر و شماره روزها که تا روز ۹۰ بهار کمبود دارد از اینجا پیدا شده که بعد ها میخواستند این تاریخ را با یازدهم حزیران که آنهم به حساب قدیم روز وفات مهر یزدگرد است میزان کنند . از همه اختلافات عجیب تر اختلاف در سال کبیسه است که به حساب میلادی سال دوم میشود .

چون تاریخ معتضدی و همچنین تاریخ متوکلی هر دو بعد از سال کبیسه شروع میشود ترتیب کبیسه اش مستقل است . اگر چیزی باقی نماند سال کبیسه ربعی است . این اختلافات و تغییراتی که در این دو تاریخ داده اند و همچنین رنگ مانوی آن دو باعث متروک شدن هر دو گردیده است . این نوروز تابستانی نوروز فرق مانوی بوده و از حدود بغداد که مرکز دینی مانویان محسوب میشده تجاوز نکرده است .

نیز قابل ملاحظه است که در نوروز نامه منسوب به خیام ذکر تاریخ متوکلی و کبیسه خلف بن احمد اسیر سیستان آمده است ولی در آنجا نامی از تاریخ معتضدی نیست .

### تاریخ هجری و عمر

مردم شبه جزیره عربستان پیش از ظهور اسلام تاریخ شمسی و قمری نظیر آنچه در نزد مجوس معمول بوده داشته اند . متصدی و گاهبد تقویم و حساب وقت را « قلمس » یا « ملمس » مینامیدند .

بیرونی در تفهیم « قلمس » را « دریامغ » معنی کرده است .  
 با در نظر گرفتن « قلمز » و « زمزم » و « مل » دلالت دو لفظ نامبرده بر معنی  
 و منصب گاهبندی قابل دقت است .

در آخر سال ۲۳۴۶ رصد که سال پیش از هجرت است نوبه کبیسه ۱۹ سالی  
 قمری شعبان است . بیرونی نام این ماه را تصریح کرده و لهذا رمضان در سال اول هجرت  
 در موضع فصلی خود واقع است .

ماه اول تاریخ قمری رمضان است و روایات بسیاری این را تأیید میکند .  
 در سال نهم هجرت حج در ماه ذی قعدة بوده . همچنین بیرونی ربیع را فصل پائیز و جمادی را  
 در فصل زمستان داده است .

این روایات و روایات دیگر چگونگی و نظم تقویمی را که در شبه جزیره عربستان  
 معمول بوده روشن میکند و لهذا نمیتوان مردم آن سرزمین را تا این اندازه که مورخین  
 باطنی مغرض دوره عباسی نوشته اند جاهل در تاریخ و تاریخگذاری و وقت شناسی دانست .  
 خلاصه ، با کبیسه ۱۹ سال هفت ماه همیشه رمضان در حدود اوائل بهار و ربیع

در حدود اوائل پائیز و جمادی در حدود اوائل زمستان می افتاده .

راجع به وضع تاریخ هجری اختلاف است . به روایتی وضع تاریخ هجری به امر  
 و در زمان حضرت رسول ( ص ) شده است و به روایتی ضعیف تر تاریخ هجری را عمر  
 وضع کرده است .

در این روایات آمده است که اول میخواستند از بعثت یا از وفات تاریخ بگذارند  
 و ماه رمضان را اول سال قرار دهند ولی بعد هجرت را مبدأ تاریخ قرار دادند و محرم را  
 اول سال .

در حدیث آمده است : « زمان بهمان هیئت که در روز آفرینش بود برگشته است .  
 سال دوازده ماه است و چهار ماه از آنها با حرمت ذیقعدة - ذیحجه - محرم - و رجب  
 که میان جمادی و شعبان است » .

این حدیث برای منجمین و مورخین دوره تاریخ سازی اسباب اشکال فراهم  
 کرده است زیرا اگر اول سال محرم بود بایستی محرم و رجب در اول ذکر شود .

خلاصه ، بموجب حدیث مذکور و روایات دیگر ماه اول سال رمضان است .  
 دیگر این که سال یازدهم هجری سال اول دوره ۱۹ سالی و گردش زمان به حساب اول  
 برمیگردد . واضح است که این حدیث با اطلاع از ترتیب کبیسه ۱۹ سالی قمری روایت شده .

در این که هجرت در چه سالی بوده است اختلاف میباشد و کمترین اختلاف یک سال و یک ماه است و نیز در سال بعثت ظاهری و بعثت در حدود هفت سال اختلاف وجود دارد .

در روز دوشنبه رحلت و سال رحلت اختلافی نیست فقط در نام ماه و روز ماه اختلافی است که تحقیق و تصحیح آن آسانست .

در هر صورت ، سال رحلت که در آن اختلافی نیست و همچنین ماه رمضان که از زمان بسیار قدیم مبدأ سالهای قمری بوده برای تاریخ از هر حیث مناسب تر از محرم و هجرت است و اول هم ذکر آن دو در میان بوده است .

روایت نسبت وضع تاریخ به عمر با تفصیلی که نوشته اند ضعیف و افسانه وار است و مدتی بعد ساخته شده . توجه به اوقات سال زمینه عقاید مذهبی مردم شبه جزیره عربستان بوده و از تاریخ و تاریخگذاری بی اطلاع نبوده اند .

ابوالعوجاء مانوی پیش از کشته شدن اقرار کرد که ترتیب ماهها را بهم زده است . تاریخ هجری به صورت کنونی از عهد عباسیان است و مربوط به عمر نیست .

روز اول هجرت به حساب متوسط چهارشنبه و به حساب بعد پنجشنبه است . چون سال هیجدهم دوره سی سالی قمری را بجای نوزده کیسه گرفته اند ترتیب صحیح قدیم بهم خورده و همیشه یک سال جلوتر از سالی که باید کیسه اجرا کنند کیسه میشود . در زیجها مبدأ تاریخ ملکی را دهم رمضان ثبت کرده اند و قابل توجه میباشد زیرا که معلوم میشود تا اواخر قرن پنجم هجری روز اول هجرت به حساب قدیم چهارشنبه محسوب میشده است .

روز عاشوری را در جلد دهم بحار صفحه ۱۹۲ و سایر کتب به روایت اصح جمعه داده اند .

در سال ۶۱ هجری به حساب معمولی روز عاشوری چهارشنبه است که هیچ مدرکی برای آن نیست .

روز عاشوری در سال ۶۱ هجری خورشیدی ربعی که از اول محرم حساب شود جمعه و مطابق ۲۰ تیر است .

از این قرار معلوم میشود تا سال ۶۱ هجری خورشیدی هنوز طریقه قدیمی معمول بوده است .

این سال سال ۶۸۳ میلادی و ماه محرم مکیوس مطابق ذیقعدہ غیر مکیوس میباشد .

## تاریخ دیوکلسمین و دقلیانوس و اردشیر بابکان

امپراطور دیوکلسمین - چنانکه نوشته اند - از ۲۸۴ تا ۳۰۵ میلادی فرمانروائی کرده است . این امپراطور پس از بیست و یک سال به میل خود از کار کناره گرفت و مشغول باغبانی و گل کاری شد . سه امپراطور دیگر با این امپراطور همعصر و همکار بوده اند . در سال ۲۸۹ میلادی جشن هزارساله بنای روم را در زمان این امپراطور گرفته اند . وفات دیوکلسمین هشت سال پس از کناره گیری از مقام امپراطوری است . تاریخ عصر این امپراطور و تاریخگذاری حوادث در این مدت طوری غیر مرتب است که زبردست ترین مورخین نتوانسته اند آن را به صورت منظمی در بیاورند .

معنی اسم این امپراطور « کلمة الله » و معنی لقب او « خداوندگار » است و هر دو از القاب عیسای مصلوب ( ع ) میباشند .

.....

در مصر و حبشه تاریخی بنام دیوکلسمین دارند که آن را تاریخ شهدا هم مینامند و از سال ۲۸۴ میلادی شروع میشود ولی در زمان دیوکلسمین به روایتی هفت سال و به روایتی ده سال از تاریخ حذف شده است . بادر نظر گرفتن هفت سالی که از تاریخ حذف شده سال ۲۸۴ سال ۲۹۱ میشود و قابل ملاحظه است .

.....

در پایان کتاب **التنییه والاشراف** نوشته است :

« فراغت یافت علی بن الحسین بن علی المسعودی از تألیف این کتاب در فسطاط مصر سال ۳۴۵ هجری در خلافت المطیع و فرمانروائی قسطنطین ابن لاون بن بسیل ملک روم و ۱۷۰۲ بختنصری و ۱۲۶۸ الاسکندر بن فلیب الرومی و سال ۶۷۳ اردشیر بن بابک و سال ۳۲۴ یزدگرد بن شهریار بن کسری پرویز آخر پادشاهان فارس . »

از مطابقه تاریخهای فوق واضح است که تاریخ اردشیر همان تاریخ دیوکلسمین و تاریخ شهدا میباشد . عجب این است با این که مسعودی این کتاب را در مصر نوشته و تمام کرده نامی از تاریخ شهدا و یا دیوکلسمین نبرده و همان تاریخ را بنام اردشیر بابکان خوانده است .

در مدارك غربی نیز ذکر تاریخی در همین حدود بنام اردشیر بابکان دیده میشود . در کتب تاریخ شرق نیز روایاتی آمده که مسیح در زمان اردشیر بابکان مبعوث شده است .

این که نوشته اند تاریخ دیوکلسین به یادگار شهدا است درست نمی باشد زیرا فرمانی که راجع به کشتار صادر شده از سال ۳۰۳ میلادی است و در ۲۸۴ میلادی شهدائی نبوده که تاریخ بنام آنها وضع کنند. در هر صورت نسبت این تاریخ به شهدا واردشیر و امپراطور دیوکلسین اشکال دارد. ظاهراً این فرمان راجع به مانویان است.

.....

در آثار الباقیه تاریخی بنام دقلیانوس دیده میشود که از چهارشنبه اول ژانویه ۲۹۰ میلادی شروع میشود و کیسه آن در سال دوم تاریخ اجرا میشده است. تاریخ دقلیانوس که روز اول آن پنجشنبه اول ژانویه سال ۲۹۱ میلادی باشد سال دوم آن کیسه است. در صورت اخیر تاریخ مذکور یک تاریخ شمسی قمری با کیسه درست خواهد بود و فورمول عدد طلائی هم در آن صدق میکند. نیز قابل توجه است که این سال یعنی سال ۲۹۱ میلادی مطابق سال ۲۰۱۵ رصده میباشد.

در کلیسا تاریخی بنام تاریخ ابراهیمی بکار میرفته است. تاریخ میلاد عیسای مصلوب (ع) ۲۰۱۵ سال و سه ماه بعد از این تاریخ میباشد.

در قسمت راجع به تاریخ ابراهیمی مختصری راجع به این تاریخ نوشته شده است. سال ۲۹۱ سال ۲۰۱۶ این تاریخ میباشد که قابل ملاحظه است.

خلاصه، سال ۲۹۱ میلادی که سال دوازدهم شاپور ساسانی و سال دوم از هزاره دوم بنای شهر روم است\* بایستی سال میلاد واقعی باشد که در قرن دهم آن را تصحیح کرده و ۲۹۰ سال به عقب برده اند.

اگر میلاد عیسای مصلوب (ع) در این عصر نباشد باید برای شاگردان و همعصران آن حضرت طول عمری در حدود چهار قرن تصور کرد.

هم چنین نوشته اند مبدأ این تاریخ روز جمعه اول ماه توت مصری مطابق ۲۹ اوت ۲۸۴ میلادی است. این مطابقه درست نمی باشد.

ماه های ایرانی و مصری اولش با هم یکی است. تاریخ بختنصری به همین صورت که در زیجهای ایران است در مصر هم بکار میرفته. اول ماه توت مصری و فروردین در سال ۳۳۴ میلادی جمعه و مطابق ۲۹ اوت بوده است. این جمعه به حساب میلادی کنونی ۳۰ اوت میشود ولی تاریخگذاری های دیگری هست که مطابق با این حساب است. در قرن پانزدهم میلادی چند سال روزهای ماه های رومی را با ماه های ایرانی

\* به حساب جشنی که در زمان امپراطور دیوکلسین گرفته اند.



معادل کرده اند که با حساب بالامطابق است و با حساب میلادی معمولی مطابق نمیآید و اختلاف یک روز در همه آنها دیده میشود .  
 بموجب آنچه گذشت سال ۳۳۴ میلادی بایستی سال شهادت عیسی مصلوب (ع) باشد ولی نه تاریخ شهدا چنانکه میگویند .  
 پیدا شدن صلیب هم در همین اوان است و این علامت چنانکه نوشته اند قبل از این تاریخ دیده نشده است .

### تاریخ میلادی

راجع به عصری که حضرت عیسی مصلوب ظهور کرده و همچنین سال و روز مبدأ و کیسه تاریخ میلادی و . . . . چنانکه تذکر داده ایم اختلاف است . در کتب نجوم قرن پنجم و ششم هجری ذکری از تاریخ میلادی مشهور که امسال سال ۱۹۵۲ آنست نیست . تاریخ میلادی از قرن دهم میلادی به بعد معمول گردیده است و برای اهمیت موضوع باید تحقیق شود که چه حادثه ای روی داده که پس از گذشتن چنین مدت طولانی کلیسا بفکر وضع یا استعمال تاریخ میلادی افتاده است .  
 اوضاع امپراطوری بیزانس در قرن دهم و تسلط خارجیانی در آن جا بنام مقدونی و جنبش های ادبی و حماسی نظیر بغداد بکمک و تشویق زمامداران خارجی در هر دو کشور و مناسبات امپراطوران بیزانس با خلفا و نفوذ فرق مانوی در بالکان و ممالک اسلامی و مناسبات دوستانه خلیفه چهارم اسماعیلی در مصر با عیسویان همه باید در این بحث در نظر گرفته شود .

انقلابات و تحولات فرهنگی و ظهورهای صاحبان دعوت در قرن چهارم و پنجم هجری همه زمینه اش دلالت اوضاع نجومی و خواص اعداد و حروف و اسماء بر ظهور جدید بوده است و چنانکه نوشته اند و تذکر خواهیم داد همه رنگ مجوسی و مانوی داشته \* .  
 تا آنجائی که تحقیق کرده ایم ترکیبات ارقام ۱ و ۳ و ۹ و همچنین عدد ۱۲۴۲ که دو برابر ۶۲۱ میباشد در وضع تاریخ میلادی مؤثر بوده است . در این قرن برای ظهور هزاره ای لازم بوده که ایجاد شده است . محرم سال ۳۹۱ هجری هزاره میلادی است .  
 در قرن شانزدهم میلادی پاپ گریگوری به گمان این که در سال ۳۲۵ میلادی

\* مقصود از مجوس زردشتیان نیستند بلکه برخی از فرق مانوی و غیر زردشتی است .